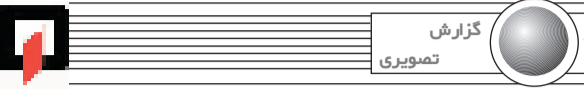


روزهای تلخ تنهایی

◀ **روز جمعه** وقتی وارد باغ شدند فرح با صحنه عجیبی روبرو شد. شوهرش مهدی ومادرشوهرش که آن تهمت خانمانسوز را به او زده بودند،در باغ حضور داشتند. هر دو از فرح حالایت می طلبیدند واو مات ومبهوت از آنان نگاه می کرد ودر شاهراه خاطراتش به روز حادثه رسید. به روزی که با

چشمان گریان دست پسرش را گرفته واژ چشمانش پریشان شده بود. نگاهش مانند پرنده خسته پرشکسته ای به طرف صدا پرکنشید، مهدی پشت فرمان بود. قدم هایش را بلند تر برداشت، برسرعشاق فرزند، به داخل کوچه پناه برد وحدود صد قدم راه را دوید تا به خانه رسید، در را باز کرد وارد شد وتکیه به در داد و ایستاد تا نفس تازه کند.ژاله از پشت پنجره اتاقش که با کلر گازی خنک می شد با سوء ظن به او خیره شده بود. فرح می دانست آن شب ژاله خروج وی ازمنزل را به داداش عباس خبر می دهد وباید منتظر بماند تا عباس کنگ مفصلی به او بزند وبعد گریان ونالان به بسترش پناه ببرد. از پشت در اتاق ژاله که عبور کرد با صدای بلند سلام داد. عجیب بود که ژاله جواب سلام او را داد وگفت: علی این جا است.تو هم بیاتو. خستگی ات که رفع شد، اگرخواستی برو... تعجب کرد.ژاله اجازه نمی دادپسر هشت ساله اش پا در اتاق او بگذارد. اما این بار،هم جواب سلام او را داده وهم علی را به اتاقش برده بود.

زیر لب گفت: خدایا زین معما پرده بردار... از همان ابتدای ازدواج فرح ،ژاله روی خوش نشان نداده بود وچون از خانواده نسبتا مرفهی بود خودش را نسبت به برادر فرح برتر می دانست واصلا هم حاضر نبود فرح را با خودش مقایسه کند. فرح وارد اتاق شد.علی بالای اتاق سرش را روی بالش گذاشته وزیر یک پارچه نارگ دراز کشیده بود ویک ظرف بلور که چند عدد زردآلو،کمی گیلانس،انگورو خیار، از نوع مرغوبش دیده می شد، کنار دستش دیده می شد.ژاله در زیر دستی برایش خیار پوست گرفته بود و با ورود فرح نمکدان را هم کنار زردستی گذاشت وبا چهره ای خندان از او استقبال کرد. هوای اتاق بهشتی بود. نسیم بهاری هم از آن لطافت را نداشت. در حالیکه اتاق آنها به رغم باز گذاشتن تمام درها باز هم گرم بود. برزنت کولر آبی روی بام پاره شده بود وموتور آن هم سوخته بود ونیاز به یک سرویس اساسی داشت، که کلی خرجش می شد.اگر خرجش راهم داداش می داد، پول آب و برق بالا می رفت وانظر او برای یک اتاق، روشن کردن کولر اسراف بود.اگر می خواست اعتراض کند، به او می گفتند: راه باز است. بازداشت که نیستی یاشوبو... ومشکل از همین جا شروع می شد که او جایی برای رفتن نداشت. داداش هم به خاطر آبرویش سکوت را بهترین مسکن می دانست وباای عدم تقاهم را پیش می کشید وبعد حرف را عوض می کرد.مردم هم بیگار نبودند تا بیایند وقت بگذارند و انرژی مصرف که او برود سر خانه وزندگی اش. یک ساعت در اتاق ژاله نشست.ژاله با اصرار به او میوه تعارف کرد واو با فرمت های که به دست می آورد از پسرش خواست دنبال او برود اما علی چنان غرق تماشای یک فیلم کارتون بود که توجه چندانی به اشارات مادرش



سقوط از کوه

■ مرد جوانی که در تاریخ ۸/۱۱/۲۵ آبرای کوهپیمایی به ارتفاعات کوههای روستای بخون در بخش فارغان رفته بود بر اثر سقوط از ارتفاع جان خود را از دست داد. وی هنگام رسیدن به قله مورد نظر خود، با ارسال یک پیام کوتاه به خانواده خود اطلاع داده است. اما پس از آن دیگر هیچگونه تماسی از وی دریافت نشد. تاریخ ۸۸/۱۱/۲۶ که موضوع به اطلاع سازمان آتش نشانی



● **با تشکر از سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی بندرعباس**

آکهی حصر وراثت

آقای مصطفی امیری دارای شناسنامه شماره ۱۲۰۲به شرح دادخواست به کلاسه ۳۵۰۵/۸۸م/۱۲از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده وچنین توضیح داده که شادروان مهین غفوری بشناسنامه ۹۲۲ در تاریخ ۱۳۸۶/۲/۲۵ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به فرزندان وهمسر مرحومه،

۱- عبدالجلیل امیری فرزند حسین متولد ۱۳۴۰به شماره شناسنامه ۱۹۲ صادره ازبندرعباس
۲- سیمین امیری فرزند حسین متولد ۱۳۴۲به شماره شناسنامه ۲۵۹ صادره ازبندرعباس
۳- محمدرضا امیری فرزند حسین متولد۱۳۴۸به شماره شناسنامه ۷۵۲ صادره ازبندرعباس
۴- میثم امیری فرزند حسین متولد۱۳۵۷به شماره شناسنامه ۸۶۲ صادره ازبندرعباس
۵- مصطفی امیری فرزند حسین متولد۱۳۶۰به شماره شناسنامه ۱۳۰۲ صادره ازبندرعباس
۶- حسین امیری فرزند مهدی متولد۱۳۶۸به شماره شناسنامه ۶ صادره ازبندرعباس(همسر متوفی)
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی در پی ماهی یکمرتبه آکهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آکهی ظرف سه ماه به شورا تقدیم دارد. والا گواهی صادر خواهد شد.

قاضی شورای حل اختلاف شهید مطهری بندرعباس

آکهی تاسیس شرکت مهتاب نفره ای ایوموسی سهامی خاص

شرکت فوق در تاریخ ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ تحت شماره ۱۱۴۴ وشناسه ملی ۰۸۰۰۱۳۸۱۱۱ از این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۴ ازلحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده و خلاصه اظهار نامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه های رسمی وکثیرالانتشاردریاکهی می شود.

۱- موضوع شرکت: احداث شبکه های فشار ضعیف وفشار متوسط زمینی هوایی تعمیرات ونگهداری لوازم های اندازه گیری دیماندی وغیر دیماندی تعمیرات ومونتاژ تابلوهای برق تاسیسات ساختمانی تعمیرات ونگهداری تاسیسات برقی ادارات دولتی وشرکت های خصوصی امورخدماتی نظیفت تامین نیروی انسانی ایاب وذهاب ایجاد ونگهداری فضای سبز تعمیرات ونگهداری ساختمانها وتاسیسات وامور آشپزخانه طبخ وتوزیع غذا خدمات عمومی ساخت وساز ساختمان سازی ابنیه پل اخذ واعطاء نمایندگی در رابطه با موضوع شرکت در مناقسه های دولتی وبخش خصوصی استفاده از وام بانکی ساخت انواع مختلف تیرهای بتنی وپایه های بتنی وسکوهای بتنی ساخت انواع پایه های فلزی ساخت تابلوهای توزیع برق فشار ضعیف ومتوسط ساخت انواع تیرهای فلزی تولید انواع قطعات بتنی وخطوط انتقال آب وبرق وگاز صادرات واردات کلیه کالا های مجاز خاک برداری زیر سازی وراه سازی.
۲- مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود

۳- مرکز اصلی شرکت: ۱-۳- استان هرمزگان - شهر بندرعباس بلوار امام حسین (ع) جنب پمپ بنزین خیابان علم الهدی بعد از مسجد امام محمد باقر پشت آژانس تاکسی هستی ۴- سرمایه شرکت: مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ریال منقسم به یکصد سهم ۱۰/۰۰۰ ریالی که تعداد یکصد سهم با نام می باشد که مبلغ ۵۰۳۵۰/۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۶۳۲ مورخه ۱۳۸۸/۰۹/۱۸ نزد بانک ملی شعبه دارایی بندرعباس پرداخت گردیده است والباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می باشد.

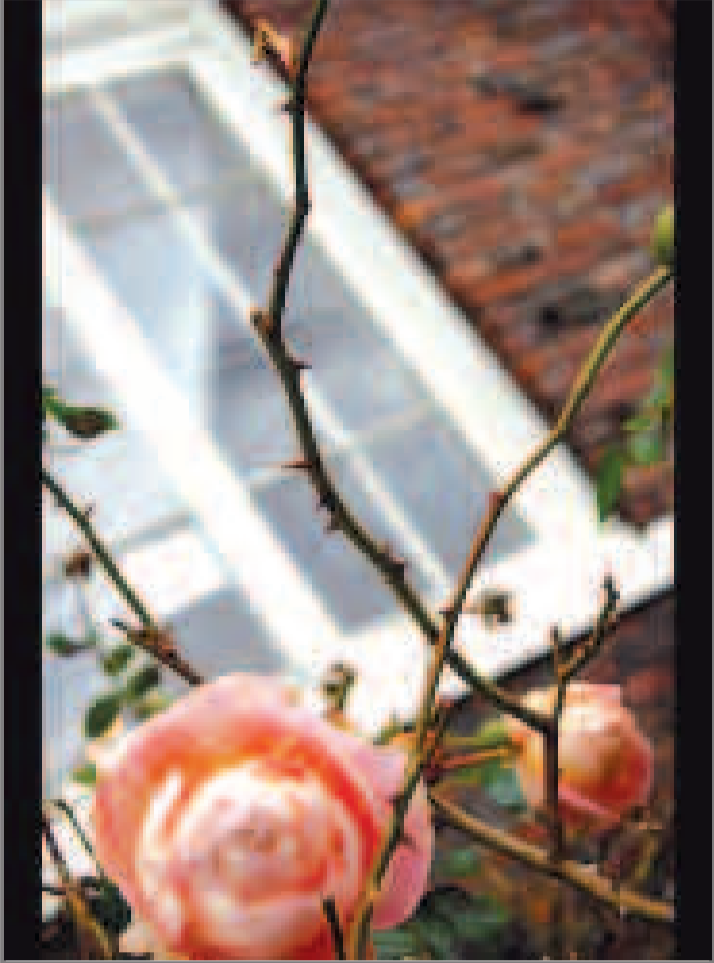
۵- اولین مدیران شرکت: ۱-۵- خانم مرضیه الله پرست به سمت رئیس هیئت مدیره
۲-۵- خانم ملیحه الله پرست به سمت نائب رئیس هیئت مدیره
۳-۵- آقای موسی الله پرست به سمت عضو هیئت مدیره
۴-۵- آقای موسی الله پرست به سمت مدیر عامل به مدت ۲سال انتخاب گردیدند.
۶- دارندگان حق امضاء: کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهد آور شرکت با امضامدیر عامل منفردا همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود.
۷- اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه ۸ - بازرسی اصلی وعی البدل: ۶-۸- خانم نعیمه الله پرست به عنوان بازرس اصلی
۲-۸- خانم اسمعیل الله پرست به عنوان بازرس علی البدل. ۸۳۲/الف

مسئول ثبت شرکت ها وموسسات غیر تجاری واحد بندرعباس

گرفتن آن بیاید. شب گذشته مهدی آن راه خانه آورده تا مادرش فیلم برادرش را که از آلمان فرستاده بود تماشا کند، اما مهدی با گذاشتن یک نوار کهنه، ویدئو را از کار انداخته بود. هم صاحب فیلم وهم صاحب ویدئو هر لحظه ممکن بود پیدایشان شود. فرح به یکی از تعمیر گاه هایی که در روزنامه ها آگهی می کنند تلفن کرد و با لحنی التماس آمیز تقاضای یک تعمیر کار کرد. نیم ساعت بعد تعمیر کار آمد. تعمیر کار در مدت کوتاهی نوار را بیرون آورد و مشکل را حل کرد. سه هزار تومان هم اجرت گرفت. فاکتور داد ورفت. اما جلوی در حیاط با مادر شوهر فرح که همراه پسرش می آمدندروبه روشد و تا آنان برسند، تعمیر کار با موتورش رفته بود وهمان خروج، نطفه شایعه را کاشت که: فرح در غیاب شوهرش یک مرد جوان را به خانه آورده است. فرح هر چه چشم گرداند، قبض تعمیر گاه را پایدیا نکرد تا به شوهرش ومادرشوهرش نشان بدهد. شماره تعمیرگاه هم جواب نمی داد. وهمان قضیه ساده موجب شد از خانه رانده شود وشوهرش به رغم علاقه ای که به وی داشت، به دلیل دخالت مادرش وشوهرش تصمیم گرفت او را طلاق بدهد۸روز بعد وقتی درخواست طلاق به فرح ابلاغ شد، داداش عباس کنگ مفصلی به او زد تجابت در خانواده آنها از ارزش بالایی برخوردار بود وفرح درروزهای نزدیک به موعده دادگاه صدای بوق راشنیدن مهدی می خواست توضیح بدهد که اشتباه کرده وبشیمان است اما فرح گریخته بود وآن روز، وقتی با شوهر ومادر شوهرش روبه رو شدحالت بدی پیدا کرد واندیشید: برای چه به آن باغ آمده ام؟ عباس ومهدی چه نقشه ای برای او دارند. مادرشوهرش که سکوت را دید با غافلگیری دست او را بوسیده ودوباره تقاضای حلالیت کرد، اما علت پی بردن به اصل ماجرا این بود که: گوشه تلفن همراه تعمیر کار پشت دستگاه تلویزیون افتاده بود وفرح هم قبض را زیر روتولویزیون مخفی گذاشته بود بعد از خروج او از خانه. مهدی به خانه مادرش رفته بود وچند روز بعد، وقتی برای آب دادن گلدان به خانه اش آمده بود،مادرش هم همراهش آمد تا از همان طرف برای خرید بروند.

صدای زنگ تلفن همراه آنان را متوجه کرد واین لایحه که با آن شماره تلفن اموراتش را می گذارند! مهدی ومادرش را متوجه اصل مطلب واشتباه مهدی و مادرش شدند، ماجرا را برای صاحب تلفن گفتند وراظهار داشت: من به خاطر دارم خانم خیلی مضطرب بود، قبض را هم زیر روتولویزیون گذاشت. من من از شدت عجله ام گوشه ام را فراموش کردم وآن ران روز به بعد هر روز تلفن می کردم، چند بار هم به درخانه شما آمده ام، اما کسی در را باز نکرد. واقعا در این مدت کسب وکارم تعطیل بود وهمسرم تلفن همراهم آورده ام. پیداشدن قبض رسید و اثبات بی گناهی فرح مادر مهدی را به اضطراب دچار کرد.مهدی از هم از رفتارش شرمند شده.

از این که آن دو در قضاوت عجله کرده و آبروی زنی را برده بودند خجالت کشیده و مرتب خدا را شکر می کردند که داداش عباس کار خطرناکی مانند کشتن خواهر زیر مشتم و لگن نشده است. آن دو خانواده میهمان صاحب تلفن همراه وهمسرش بودند وفرح درسکوت به روزهای تلخی که پشت سر گذاشته بود، فکر می کرد.



نیابوری گوشه خانه بنشینتی... خوب خواهرکم ! تعریف کن ببینم... تازه چه خبر؟ فرح دل به دریا زد و با خود گفت:مرگ یک بار، شیون هم یک بار... بعد گفت: اول رفتم دنبال جواب آزمایشم.. عباس گفت: آزمایش چی؟ ژاله با کنجکاوی اضافه کرد: چه آزمایشی؟ فرح آهی کشید ودر حالی که صدای پای توفان را می شنید گفت: تست بارداری!

-خداراشکر... خوب جواب چی بود؟ مثبت بود یا منفی؟ سوال را ژاله کرد و عباس مشتاقانه به او خیره ماند. فرح که گریه اش گرفته بود اعتراف کرد بارداراست زن وشوهر به او تبریک گفتند شام آن شب را دور هم خوردند وقرار جمعه را محکم کردند ورفتند. روز جمعه وقتی وارد باغ شدند فرح با صحنه عجیبی روبرو شد. شوهرش مهدی ومادرش شوهرش که آن تهمت خانمانسوز را به او زده بودند گفت: ژاله خانم... علی انبیت می کند خوب بود او را می فرستادی بالا... من دیگر حرفش نمی شنوم. عباس خندید و گفت: من گفتم وقتی فیلم تمام شد خودش بیاید. کار تکالیفش را هم که انجام داده... مرغ که نیست سرش بخوابد... بگذار بچه یک نفسی بکشد. روز جمعه هم قرار است دسته جمعی برویم بیرون. گفتم از حالا بگویم که بهانه

خودرو حامل مشروبات الکلی به مقصد نرسید

دستور کار ویژه قرار دادند. عوامل انتظامی کلاتری با هماهنگی مقام قضایی به محل اعزام و طی یک سری گشت زنی و با استفاده از شکرده های پلیسی خودرو مذکور را توقیف و ضبط کردند.
همه بر خلاف انتظارش بود بی اختیاری کلماتی که از دهان او می افتد در عوض خانه ما چون مشرف است از قیمتش کسر می شود. فرح مانند بود معطل ... آن حرف ها، همه بر خلاف انتظارش بود بی اختیاری گفت: ژاله خانم... علی انبیت می کند خوب بود او را می فرستادی بالا... من دیگر حرفش نمی شنوم. عباس خندید و گفت: من گفتم وقتی فیلم تمام شد خودش بیاید. کار تکالیفش را هم که انجام داده... مرغ که نیست سرش بخوابد... بگذار بچه یک نفسی بکشد. روز جمعه هم قرار است دسته جمعی برویم بیرون. گفتم از حالا بگویم که بهانه

آکهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت دوم

بدینوسیله به اطلاع میرساند جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت/اتحادیه تعاونی مسکن تولید مشترک کارگران بندرلنگه روز سه شنبه مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۸ در محل مسجد سلمان فارسی بندرکنگ تشکیل میگردد .

لذا از عموم اعضاء دعوت می شود تا در ساعت مقرر در محل مذکور حضور بهم رسانند .
بدیهی است کلیه کسانیکه نمی تواننده هر دلیلی در جلسه فوق شرکت کنند می توانند حق رای خود را به شخص دیگری وکالت دهند و ضمناً کلیه افرادی که کاندیدای عضویت در هیئت مدیره یا بازرسان می باشند باید تا تاریخ...درخواست عضویت خود را به دفتر شرکت تعاونی تحویل نمایند .

دستور جلسه :
۱ - قرائت گزارش عملکرد هیات مدیره وبازرسان درسال۱۳۸۸
۲- طرح وتصویب ترازنامه وصورتهای مالی سال ۱۳۸۸
۳ - طرح وتصویب بودجه پیشنهادی سال ۱۳۸۸
۴ - طرح وتصویب گزارش تغییرات اعضاء وسرمایه درسال ...
۵ - انتخاب اعضاء اصلی وعلی البدل هیات مدیره۶- انتخاب بازرسی / بازرسان اصلی وعلی البدل برای سال مالی ۷۱۳۸۸ - تعیین روزنامه کثیر الانتشار برای درج آگهی های شرکت

رئیس هیئت مدیره شرکت اتحادیه تعاونی

آکهی تغییرات شرکت ساختمانی تاسیساتی کوه گره سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۱۵ ش ملی (۱۰۸۰۰۰۴۱۶۳۹)

به موجب صورت جلسات مجمع عمومی فوق العاده وهیئت مدیره مورخ ۱۳۸۸/ ۱۱/۱۷ تغییرات زیر در شرکت فوق انجام گردیده است.

۱ - کبری دهقانی تل گردوئی مدیر عامل وعضو هیئت مدیره و حسین کوه گرد مبارکه رئیس هیات مدیره ورضا فغاری قلیچی نائب رئیس هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند وکلیه اسناد وقرار دادهای تعهد آورشرکت با امضاء منفر د رئیس هیئت مدیره وبا مهر شرکت معتبرخواهد بود .
۲ - مهدی کوه گرد مبارکه بازرس اصلی وقاطمه رضایی مبارکه بازرس علی البدل برای مدت یکسال انتخاب شدند. ۸۲۶۹/الف

علی محمودی

رئیس اداره ثبت اسناد واملک بندرعباس



سازمان پارکها و تفریحات

سرسبزی و طراوت

شهر نتیجه همیاری

و همدلی شهروندان

با تلا شگران

فضای سبز

● سازمان پارکها

و فضای سبز شهر داری بندرعباس

سیستم حساب خلیج فارسی

انجام امور حسابداری

تلفن: ۴۴۰۰۰۰۰۰
پست الکترونیک: ۴۴۰۰۰۰۰۰

خیابان کلاسیک

دوخت البسه مردانه

سازمان: فلک
تلفن: ۴۴۰۰۰۰۰۰
پست الکترونیک: سازمان اعلام حال

سازمان: بازرسی و کنترل کیفیت
تلفن: ۴۴۰۰۰۰۰۰

سازمان: چکارخانه نخل
تلفن: ۴۴۰۰۰۰۰۰